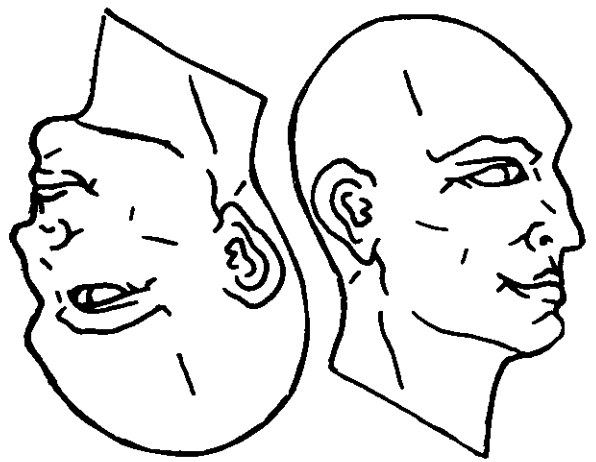


بررسی مقایسه‌ای سیستم‌های مالیاتی در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه



نگارش: غلامعلی آبائی

مالی و انسانی آنها از طرف کشور مسلط علت اصلی وایس ماندگی کنونی کشورهای توسعه نیافته است، با این حال ساختار اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی جوامع، بیانگر اهمیتی است که سیاست‌های مالی در توسعه اقتصادی می‌تواند داشته باشد. از این رو وضع مالیات یا لغوبرخی عوارض و یا برقراری معافیت و تشویق‌های مالیاتی تحت الشعاع هدف‌های مالی و اقتصادی دولتهاست. در عین حال باید توجه داشت که تمرکز بر سیاست مالیاتی یا انتخاب یک نوع مالیات، سبب غفلت از جنبه‌های اجرایی مالیات نشود. به عبارت دیگر به همان میزان که تعیین سطح کل درآمدهای مالیاتی برای دستیابی به هدف‌های رشد اهمیت دارد، چگونگی رسیدن به سطح مطلوب مالیاتی نیز باید مورد توجه قرار گیرد، بررسی تاریخی سیر مالیات در تمدن‌های قدیم با توجه به ساختار کشاورزی در این نوع جوامع، نشان می‌دهد که همواره مالیات بردارایی نقش اساسی داشته است.

\$ یکی از راه‌های ارزیابی فعالیتها در هر جامعه‌ای، مقایسه کردن کم و کیف هر فعالیت با مورد مشابه آن در سایر جوامع و بویژه در جوامعی است که شباهت بیشتری با جامعه مورد نظر دارند. این پویش چنانکه در نخستین وهله نیز به نظر می‌رسد رویکردی پیچیده و پر دامنه است و به همین دلیل است، شاید، که در ایران کمتر به آن روی آورده‌اند. بلکه هر آینه ضرورتی احساس شود، به برابر هم نهادن برخی آمارها و اطلاعات بسنده می‌کنند و به نتایج مقایسه این دو برای قضاوت نهایی استناد می‌جویند، حال آنکه به این طریق، بسیاری از عوامل مؤثر و بعضاً مشترک از نظر دور می‌ماند و در نتیجه چنین بررسی‌هایی از کفایت لازم برخوردار نیست. اما، بهرحال در غیاب مطالعات تطبیقی یاد شده، استناد به آمارهای مقایسه‌ای می‌تواند تا حدی پاسخگوی نیاز باشد. این مقاله نیز کوششی در این راستاست که امید است یافته‌های آن کارشناسان را به ضرورت انجام مطالعات تطبیقی روش شناختی در این زمینه‌ها، هشدار دهد.

(O.E.C.D) استفاده شود؛ زیرا بیشتر کشورهای عضو این سازمان مراحل رشد و توسعه اقتصادی را گذرانده‌اند و از اقتصاد نسبتاً سالم و متعادل که مجهز به سیستم‌های مالیاتی مؤثر و کاراست برخوردارند.

می‌دانیم که رشد اقتصادی به موازات عدالت اجتماعی در جریان دستیابی به توزیع برابر درآمد و ثروت پدیده‌ای است که در جهان امروز از اهمیت خاص و ابعاد متفاوتی برخوردار است. به عبارت دیگر در صورتی رشد اقتصادی به توسعه می‌انجامد که به بهبود وضع اقتصادی گروه‌های پایین جامعه منجر شود در عین حال پیوسته باید در نظر داشت که توسعه نیافتگی کنونی کشورهای جهان سوم تنها معلول ساختار اقتصادی و فرهنگی آنها نیست، بلکه رابطه اقتصادی آنها با کشورهای پیشرفته و حکومت‌های مسلط در طی تاریخ و استثمار سرمایه‌های

این مقاله برای ارائه آگاهی بیشتر درباره نظام مالیاتی کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران در مقایسه با کشورهای پیشرفته و صنعتی به یک بررسی اجمالی و تطبیقی در این زمینه می‌پردازد تا با شناخت ویژگی این نظامها، بتوان در طرح‌ریزی، تدوین و تصحیح قوانین مالیاتی بویا و کارساز از تجربیات موفق این کشورها، با توجه به عوامل مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جوامع رو به رشد سود برد. بدین منظور سعی شده است در بررسی تطبیقی از سیستم‌های پیشرفته و متنوع مالیاتی و آمارهای مربوط به سازمان همکاری و توسعه،

۱- سازمان همکاری اقتصادی و توسعه

1. Organization for Economic Cooperation & development (O.E.C.D)

است، دریافت این نوع مالیات اغلب با منافع گروههای مرفه برگزیده، مغایرت خواهد داشت. بنابراین انواع مالیاتهای غیرمستقیم که بار واقعی آن را مصرف کننده متحمل می شود، گسترش می یابد تا بدین طریق نه تنها کسب سود بیشتر مورد حمایت قرار گیرد، بلکه با سیاستهای تبلیغاتی وسیع بازار تقاضای کالا تضمین شود. در نتیجه به دنبال افزایش تولید، بخش توزیع با شتاب بیشتری گسترش می یابد و با توجه به این نکته که اصل منافع فرد و کسب سود بیشتر، زیربنای سیستم بازار است، وضعیت اقتصادی - اجتماعی مورد غفلت قرار می گیرد. چه بسازند صاحبان عوامل تولید که حتی سیستم بازار را هم برای به کارگیری عواملی که در اختیار دارند،

سودآور نمی بینند، و آن را خارج از سیستم بازار به کار می برند. به عبارت دیگر در شرایط بحرانهای اقتصادی یا در وضعیت نابسامان متأثر از کمبودهای عرضه، اقتصاد پنهان یا اقتصاد سیاه، گسترش می یابد. بحرانهای ناشی از جنگ یا دگرگونیهای اجتماعی اغلب سبب می شود که در اقتصاد زیرزمینی تقاضای بالقوه ایجاد شود و قیمتها افزایش یابد که افزایش قیمتها در این بازار به نوعی به افزایش قیمت در بازار رسمی می انجامد. در این مقطع، پول سیاه با آن بخش از نقدینگی که در حسابهای ملی نیامده است، نقش اساسی و حیاتی در اقتصاد بازی خواهد کرد. پول سیاه به تمرکز سرمایه یا افزایش مصرف می انجامد که هر دو

پدیده نابرابری توزیع سرمایه ها را افزایش خواهد داد. از آنجا که بخش عمده این تمرکز نزد صاحبان درآمدهای پولی در فعالیتهای خدماتی است، گسترش ارزش افزوده بخش خدمات بتدریج از توان بالقوه تولید در جامعه می گاهد و در عین حال درآمد ملی افزایش می یابد که بخش اعظم آن مربوط به ارزش افزوده خدماتی یا صادراتی مواد اولیه است. معمولاً افزایش درآمد سرانه که در کشورهای توسعه یافته ناشی از افزایش توان واقعی تولید به علت گسترش بخش خدمات یا صادرات مواد اولیه است، گسترش بخش عمومی را نیز به دنبال دارد. بدین مفهوم که با افزایش درآمد سرانه، سهم بخش عمومی در محصول ناخالص ملی و به همان میزان، نسبت ورق بزنید

جدول شماره (۱) کل درآمدهای مالیاتی در کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (O.E.C.D)

نام کشور	۱۹۶۵	۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۸۰
استرالیا	۲۳/۷۸	۲۵/۴۹	۲۹/۱۴	۲۵/۸۲
اتریش	۳۴/۶۴	۳۵/۹۶	۳۸/۵۴	۴۱/۵۴
بلژیک	۳۱/۳۱	۳۲	۴۱/۰۷	۴۵/۱۴
کانادا	۲۵/۹۴	۳۲/۹۳	۳۶/۰۵	۳۲/۸۱
دانمارک	۳۰/۰۵	۴۰/۲۳	۳۶/۱۵	۴۵/۱۱
فنلاند	۳۰/۱۳	۳۲/۱۸	۳۶/۱۵	۳۴/۴۶
فرانسه	۳۴/۹۷	۳۵/۵۸	۳۷/۴۴	۴۲/۵۱
آلمان	۳۱/۵۹	۳۲/۸۰	۳۵/۶۸	۳۶/۲۳
یونان	۲۰/۵۸	۲۴/۳۰	۲۴/۶۴	۲۷/۶۹
ایرلند	۲۶/۰۲	۳۱/۲۳	۳۲/۴۹	۳۷/۵۷
ایتالیا	۲۷/۲۵	۲۷/۹۱	۲۸/۹۸	۳۰/۰۹
ژاپن	۱۸/۰۵	۱۹/۷۲	۲۱/۱۰	۲۵/۸۵
لوکزامبورگ	۳۰/۸۳	۳۱/۹۴	۴۳/۵۷	۴۷/۵۶
هلند	۳۵/۴۸	۳۹/۸۹	۴۵/۸۰	۴۶/۱۹
زلاتندون	۲۴/۳۲	۲۶/۳۹	۳۰/۰۴	۳۱/۱۸
نروژ	۳۳/۲۲	۳۹/۱۹	۴۴/۸۲	۴۷/۳۶
پرتغال	۱۸/۵۷	۲۳/۲۱	۲۴/۸۲	۲۹/۷۸
اسپانیا	۱۴/۷۳	۱۷/۲۲	۱۵/۶۰	۲۳/۱۶
سوئد	۳۵/۶۰	۴۰/۸۹	۴۴/۲۴	۴۹/۸۷
سوئیس	۲۰/۷۱	۲۳/۸۱	۲۵/۶۱	۳۰/۴۷
ترکیه	۱۴/۹۳	۱۷/۶۳	۲۰/۶۷	۲۰/۸۴
انگلستان	۳۰/۸۰	۳۵/۷۱	۳۶/۰۸	۳۵/۹۱
امریکا	۲۶/۵۸	۳۰/۱۰	۳۰/۱۸	۳۰/۶۹

جدول شماره (۲) سهم انواع مالیاتها در کل درآمدهای مالیاتی کشورهای (O.E.C.D) در سال ۱۹۸۰

نام کشور	مالیات ناشی از درآمد اجتماعی	مالیات بر عوارض دارائی کالا و خدمات	مالیات بر مالیات بر سایر
استرالیا	۵۴/۶۳	۵/۰۹	۳۱/۷۱
اتریش	۲۶/۶۸	۶/۹۸	۳۱/۲۵
بلژیک	۴۲/۳۵	۳۰/۷۴	۲۳/۹۲
کانادا	۴۵/۹۷	۱۰/۶۹	۳۲/۶۳
دانمارک	۵۴/۶۳	۱/۷۹	۳۷/۵۲
فنلاند	۴۸/۴۷	۸/۶۴	۱/۹۷
فرانسه	۱۸/۱۷	۴۳/۱۲	۳/۳۸
آلمان	۳۵/۴۴	۳۴/۱۰	۲۶/۹۹
یونان	۱۵/۵۶	۳۰/۳۲	۷/۷۲
ایرلند	۳۶/۶۷	۱۴/۳۰	۴۳/۷۰
ایتالیا	۳۱/۴۹	۳۶/۷۴	۲۷/۴۹
ژاپن	۴۰/۷۹	۳۰/۱۰	۱۶/۲۱
لوکزامبورگ	۴۴/۸۷	۲۸/۹۵	۵/۸۰
هلند	۳۲/۴۵	۳۸/۵۲	۲۴/۸۲
زلاتندون	۶۸/۴۹	-	۲۲/۹۴
نروژ	۴۷/۲۴	۱۵/۱۷	۳۵/۳۹
پرتغال	۲۲/۲۷	۲۷/۰۹	۱/۴۶
اسپانیا	۲۶/۲۰	۴۴/۹۷	۲۳/۰۳
سوئد	۴۳/۲۵	۲۸/۶۸	۲/۹۴
سوئیس	۴۱/۵۰	۳۰/۸۲	۷/۲۴
ترکیه	۵۴/۵۶	۶/۳۴	۳۳/۱۸
انگلستان	۳۷/۹۴	۱۶/۹۳	۱۲/۰۵
امریکا	۴۶/۹۸	۲۶/۳۴	۱۰/۰۶

۲- نشریه شماره ۴۲۷ معاونت امور اقتصادی و بین المللی وزارت دارائی ص ۳-۱



جدول شماره (۳) سهم مالیات در پرداختها و دریافتهای دولت و درآمدهای مالیاتی

کشورهای توسعه یافته	در پرداختهای دولت	در دریافتهای دولت	سهم مالیات در درآمدهای مالیاتی به درصد
کانادا	۶۳/۳	۷۷/۱	۶۴/۸
امریکا	۵۴/۸	۶۰/۶	۸۸/۵
اتریش	۵۵/۳	۵۶/۴	۳۸/۸
بلژیک	۵۶/۹	۶۵	۶۱/۲
دانمارک	۷۰/۱	۸۱	۴۲/۸
فنلاند	۸۸/۶	۸۲/۶	۳۵/۹
فرانسه	۵۰/۶	۵۰/۹	۳۵/۸
آلمان	۳۹	۳۸/۶	۴۴/۲
انگلستان	۷۰/۳	۷۲/۷	۵۴/۴
لوکزامبورگ	۶۷/۴	۶۱/۲	۶۲/۸
هلند	۴۶/۶	۴۸	۵۸/۷
نروژ	۷۹/۳	۶۷/۴	۴۱/۷
اسپانیا	(۰۰)	۴۷/۳	۴۵/۸
سوئد	۴۴/۷	۵۰/۴	۳۱/۷
سوئیس	۴۸/۷	۴۵/۱	۶۵
ژاپن	۷۳/۲	(۰۰)	۷۲/۷
استرالیا	۹۹/۶	۹۲/۷	۶۹/۹
ژلاندنو	(۰۰)	۹۱/۷	۷۳/۹

(۰۰): رقم در دست نیست.

هلند، دانمارک، نروژ و سوئد از جمله کشورهایی هستند که به طور نسبی درآمدهای مالیاتی بیشتری داشته اند. اتریش، ترکیه و اسپانیا به طور نسبی از درآمدهای مالیاتی کمتری برخوردار بوده اند و سرانجام آمریکا، سوئیس و انگلستان در گروههای متوسط قرار دارند.

مالیات به محصول ناخالص ملی افزایش می یابد، اگرچه درآمد بالا تر می تواند مالیات بیشتر را موجب گردد. اما این امر همیشه شرط پایدار نخواهد بود. چه سا مالیات بردرآمد بالا تر در بلندمدت احتمالاً به کاهش درآمدها بینجامد. همزمان با رشد درآمد ملی، کشورهای پیشرفته صنعتی موفق به جمع آوری عایدات مالیاتی بیشتری می شوند، زیرا حفظ ثبات ضمنی برای ایجاد و گسترش درآمد و سود، خود مستلزم دریافت بخشی از سود حاصل از سرمایه گذاری های داخلی و خارجی از طرف دولت است تا بموقع برای ایجاد امنیت نسبی و رفاه اجتماعی هزینه گردد. امروزه نسبت مالیات به تولید ناخالص ملی در کشورهای پیشرفته به طور متوسط ۴۰٪ است. در جدول شماره ۱ نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار برای کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (O.E.C.D) طی سالهای ۱۹۷۰ - ۸۰ ارائه شده است:

در جدول شماره (۲) سهم انواع مالیاتهای دریافت شده در کل درآمدهای مالیاتی مشخص شده است. چنانکه ملاحظه می شود در مورد مالیات بردرآمد و سود کشورهای یونان و فرانسه دریافتی کمتری دارند حال آنکه در استرالیا تقریباً ۵۵٪، در ژلاندنو ۶۸٪ و در ترکیه و دانمارک ۵۵٪ از درآمدهای مالیاتی، ناشی از مالیات بردرآمد و سود است.

از طرف دیگر جدول، اهمیت تأمین اجتماعی در فرانسه و اسپانیا را نشان می دهد. در مورد مالیات بر

کالا و خدمات که جزو مالیات غیرمستقیم است و به مصرف کننده منتقل می‌شود، در یونان و ایرلند تقریباً ۴۵ تا ۴۴٪ از درآمدهای مالیاتی را مالیات بر کالا و خدمات تشکیل می‌دهد. در حالی که این رقم در ژاپن و آمریکا ۱۶٪ است. در مورد مالیات بر دارایی می‌توان گفت: آمریکا و انگلستان به طور نسبی بیشترین اتکا را به این مالیات دارند و در عین حال، سوئد و پرتغال کمترین درآمد را از این مالیات به دست می‌آورند. در جدول شماره (۳) سهم مالیات در درآمدهای دولت در سال ۱۹۸۲ آمده است. چنانکه ملاحظه می‌شود در کشورهای دانمارک، فنلاند، استرالیا و زلاندنو سهم مالیات در درآمدهای دولت بسیار بالاست.

سهم مالیاتهای مستقیم در درآمدهای مالیاتی در کشورهای نروژ، انگلستان، بلژیک و آمریکا و کانادا دارای نسبتی متوسط است. حال آنکه در کشورهای فرانسه، آلمان، هلند، سوئیس و سوئد این سهم به طور نسبی اندک است. در همین جدول، سهم مالیات در پرداختهای جاری دولت برای کشورهای مذکور درخور توجه است. چنانکه از جدول (۳) نتیجه می‌شود، در دانمارک، فنلاند، استرالیا سهم مالیات در پرداختهای جاری به ترتیب ۷۰/۱٪، ۸۸/۶٪ و ۹۹/۶٪ و در انگلستان ۷۰/۳٪، در نروژ ۷۹/۳٪ و در ژاپن ۷۳/۲٪ است. حال آنکه در فرانسه و آلمان این نسبت کمتر است؛ توضیح این نکته ضروری است که تأمین اجتماعی در کشورهای پیشرفته نقش اساسی دارد و در این مطالعه صرفاً مالیات مستقیم و غیرمستقیم در نظر گرفته شده است. برای مثال در کشورهایی نظیر هلند، سوئد و سوئیس سهم عمده‌ای از رفاه عمومی و بهداشت از طریق مالیاتها تأمین می‌شود به طوری که در سال ۱۹۷۷ در این کشورها به ترتیب ۲۶٪، ۲۴/۷٪ و ۱۲/۶٪ هزینه‌های فوق از طریق سیستم مالیاتی تأمین شده است.

در کشورهای کمتر توسعه یافته، نسبت مالیات به محصول ناخالص ملی تقریباً پایین است و به طور متوسط از ۸ تا ۱۸٪ تغییر می‌کند: سطح درآمد و چگونگی توزیع درآمد، بافت اقتصادی (واحد کوچک تولید و توزیع)، حجم واردات و صادرات سیستم اداری و تشخیص وصول مالیات و ضمانت حقوقی و اجرایی از جمله عواملی است که نقش اساسی در ساختار مالیاتی - کشورهای توسعه نیافته و

کشورهای در حال توسعه دارد. جدول شماره (۴) نشانگر نسبت کل درآمد مالیاتی به محصول - ناخالص ملی در کشورهای در حال توسعه طی سالهای ۱۹۷۴-۷۹ است. چنانکه ملاحظه می‌شود اوگاندا، ایران، برمه و بولیوی به ترتیب در آفریقا، آسیا و امریکای لاتین به طور نسبی کمترین درآمد مالیاتی را دارند. بیشتر کشورهای در حال توسعه‌ای که در مقایسه با بقیه از درآمد سرانه بیشتری برخوردارند در گروههای اول قرار دارند. البته یادآوری این نکته لازم است که بالا بودن درآمد سرانه در چنین کشورهایی لزوماً نشانه توسعه اقتصادی و افزایش رفاه اجتماعی نیست، بلکه توزیع نابرابر درآمد ناشی از سود فروش تنها محصول صادراتی، سبب افزایش درآمد ملی و بالا رفتن کاذب درآمد سرانه می‌شود. در وضع مالیات و اجرای آن نه تنها ساختار اقتصادی بلکه چگونگی اندیشه عمومی نسبت به سیستم مالیاتی نیز باید بررسی شود. بدیهی است که در مراحل مختلف توسعه، هر دو مورد فوق کاملاً متفاوت خواهد بود.

معمولاً در کشورهای توسعه نیافته‌ای که سطح درآمد پایینی دارند، مالیات بازگانی خارجی یا مالیات بر تولید و فروش کالاهای داخلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در عین حال مالیات بر درآمد ناشی از سود، پایین است. اما با گسترش بخش مزد و حقوق بگیر دولتی، مالیات بر درآمد ناشی از مزد و حقوق به طور نسبی افزایش می‌یابد. به سبب نبود اطلاعات دقیق و نیز گستردگی سطح بیسودی در این کشورها، مالیات بر مشاغل پایین است و از آنجا که قسمت اعظم بافت اقتصادی این کشورها را موسسات و واحدهای تولید و توزیع کوچک تشکیل می‌دهد، افرادی که در استخدام این موسسات هستند و البته گروه کثیری را تشکیل می‌دهند، و همچنین کارکنان مستقل در بخش شهری، از شمول مالیات بر درآمد خارج می‌شوند. بدیهی است که در بیشتر این کشورها، کارکنان مستقل بخش کشاورزی به سبب درآمد ناچیز این بخش از مالیات معافند؛ برخلاف کشورهای توسعه یافته که همزمان با کامپیوتری کردن محاسبات مالیاتی، سیستم «خوداظهاری» نیز در آنها به اجرا درآمده است، در کشورهای توسعه نیافته به دلیل نبود اطمینان به سیستم مالیاتی و وجود بیسوادی، سیستم

خوداظهاری، اجراشدنی نیست. از سوی دیگر، با توجه به گستردگی ابعاد مسئله فرار مالیاتی، ارزیابی و تشخیص مالیات در مدت زمان طولانی انجام می‌گیرد و با توجه به نرخ تورم و نیز جرائم ناکافی مالیاتی نبودن ضمانت اجرایی قوی، ارزش واقعی مالیات بسیار پایین است، و در نتیجه این امر اغلب بیش از ۵۰٪ ظرفیت مالیاتی موجود مشمول دریافت مالیات واقع نمی‌شود. در جدول شماره (۴) نسبت مالیات در درآمدهای دولت ارائه شده است:

— در کشورهای امریکای لاتین به طور متوسط بیش از ۷۰٪ از درآمدهای دولت را عایدات مالیاتی تشکیل می‌دهد. چنانکه ملاحظه می‌شود، در مکزیک ۹۴/۱٪، برزیل ۹۸/۵٪ و در آرژانتین ۷۰/۸٪ از درآمدهای دولت از عایدات مالیاتی - تشکیل شده است.

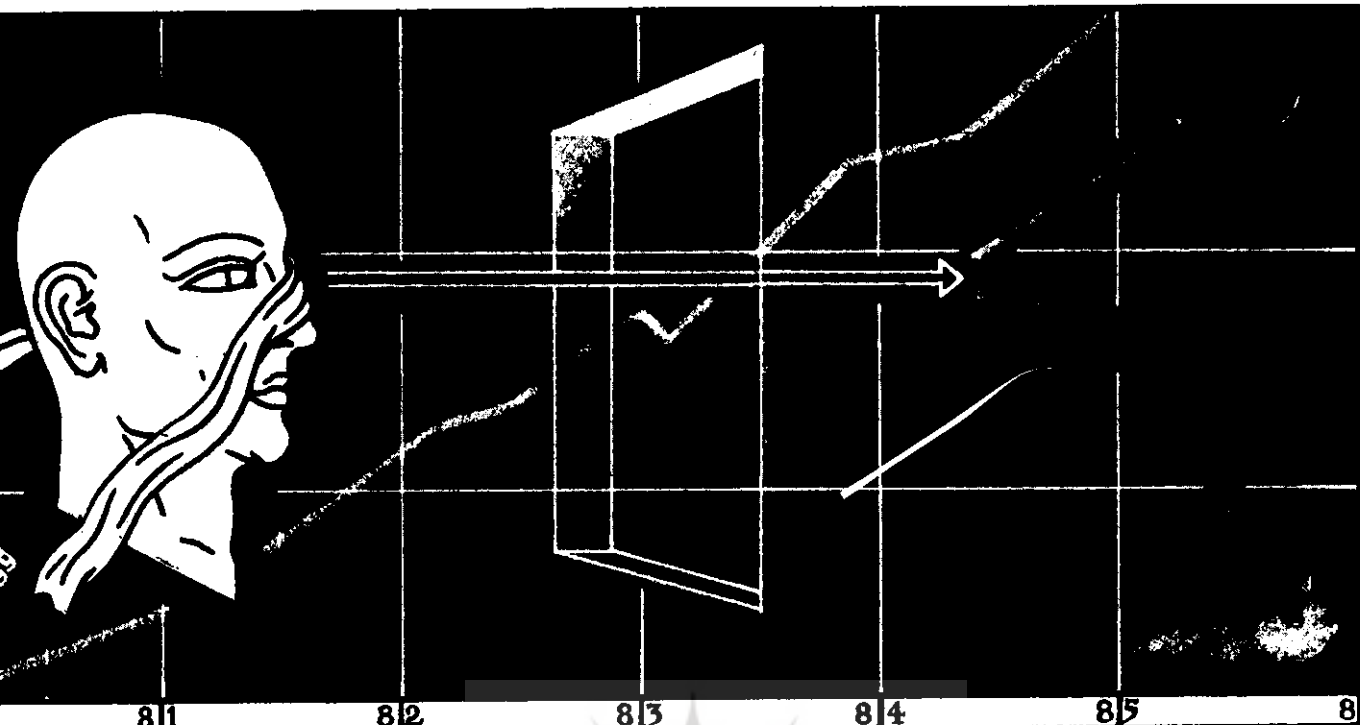
— در کشورهای آفریقایی نیز متوسط نسبت عایدات مالیاتی به درآمدهای دولت درخور ملاحظه است:

در تانزانیا ۷۷٪، زیمبابوه ۹۴٪، زامبیا ۹۲/۴٪ و سنگال ۸۸/۴٪ از درآمدهای دولت از عایدات مالیاتی به دست می‌آید.

— در کشورهای آسیایی در حال توسعه: با توجه به وجود صادرکنندگان نفتی در این منطقه انحراف از میانگین سهم عادی - مالیاتی در درآمدهای دولت زیاد است. در هندوستان ۸۲/۳٪، اندونزی ۹۳/۸٪، پاکستان ۸۰/۹٪ و فیلیپین ۹۳/۶٪ از درآمدهای دولت را مالیاتها تشکیل می‌دهد، حال آنکه در ایران ۲۳/۹٪، کویت ۵٪ و عمان ۳۰/۱٪ از درآمدهای دولت از مالیات تشکیل شده است. در همین جدول نسبت مالیات به پرداختهای دولت نیز آمده است. بجز در مورد برخی از کشورها در اغلب موارد روند مشابهی دیده می‌شود.

به عبارت دیگر در ایران ۲۶/۶٪، در کویت ۱۱/۳٪ و در عمان ۲۳/۷٪ از پرداختهای دولت از محل درآمدهای مالیاتی است، حال آنکه در هندوستان ۸۶/۷٪ و در پاکستان ۹۳/۷٪ از پرداختهای دولت از محل درآمدهای مالیاتی است.

ورق برزید



81

82

83

84

85

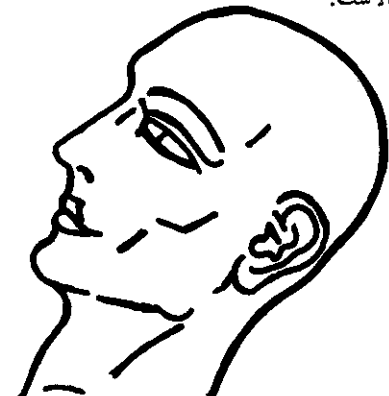
8

به منظور بررسی وضعیت نوع مالیاتهای دریافت شده، سهم مالیاتهای مستقیم به کل درآمدهای مالیاتی ارائه شده است:

— در کشورهای امریکای لاتین نسبت مالیاتهای مستقیم به کل درآمدهای مالیاتی به طور متوسط از ۱۳٪ تا ۳۰٪ تغییر می کند.

— در کشورهای افریقای عموماً این نسبت بالاتر از ۲۰٪ است و در زامبیا به ۵۲٪ می رسد.

— در کشورهای آسیایی، این نسبت بجز در موارد خاص که سهم مالیات مستقیم از کل درآمدهای مالیاتی کمتر است، در خور ملاحظه است. در هندوستان ۲۳/۳٪، ایران ۳۱/۵٪، کره جنوبی ۲۹٪، تایلند ۲۳/۹٪، پاکستان ۲۰/۶٪ و سرانجام فیلیپین ۲۴/۵٪ از کل درآمدهای مالیاتی را مالیاتهای مستقیم تشکیل می دهد. بنابراین سهم مالیاتهای غیرمستقیم درآمدهای مالیاتی این کشورها بالاست.



جدول شماره (۴) سهم مالیات در پرداختها و دریافتهای دولت در کشورهای در حال توسعه

کشورهای در حال توسعه امریکای لاتین	پرداختهای دولت به درصد	دریافتهای دولت به درصد	کشورهای در حال توسعه افریقای	پرداختهای دولت به درصد	دریافتهای دولت به درصد	کشورهای در حال توسعه آسیایی	پرداختهای دولت به درصد	دریافتهای دولت به درصد
آرژانتین	۶۱/۷	۷۰/۸	کامرون	۹۶/۸	۶۳/۸	برمه	۹۶/۸	۷۰/۸
برزیل	۶۱/۶	۴۷/۵	مصر	۸۶/۷	۸۲/۳	هندوستان	۸۶/۷	۴۷/۵
شیلی	۷۰/۳	۷۵/۶	کینا	(۰۰)	۹۳/۸	اندونزی	(۰۰)	۷۵/۶
کلمبیا	(۰۰)	۷۷	توگو	۲۶/۶	۲۳/۹	ایران	۲۶/۶	۷۷
اکوادور	۸۳/۷	۹۴/۹	تونس	۵۷/۸	۴۷/۷	اردن	۵۷/۸	۹۴/۹
السالوادور	(۰۰)	۹۶/۵	تانزانیا	(۰۰)	۸۶/۴	کره جنوبی	(۰۰)	۹۶/۵
گواتمالا	۸۲/۶	۷۳/۶	زئیر	۱۱/۳	۵	کویت	۱۱/۳	۷۳/۶
اروگوئه	۵۲/۵	۶۸	زیمبابوه	۳۰/۳	۲۷/۸	سوریه	۳۰/۳	۶۸
ونزوئلا	(۰۰)	۷۶	زامبیا	۸۳/۷	۹۰	تایلند	۸۳/۷	۷۶
بولیوی	۱۹/۷	۸۸	مراکش	۶۰/۳	۵۴/۵	یمن	۶۰/۳	۸۸
مکزیک	۶۵/۲	۹۴/۱	سنگال	(۰۰)	۸۴	مالزی	(۰۰)	۹۴/۱
نیکاراگوا	۵۴/۳	۷۲/۲	افریقای جنوبی	۳۳/۷	۳۰/۱	عمان	۳۳/۷	۷۲/۲
پاناما	۴۶/۳	۵۴/۴	سودان	۹۳/۷	۸۰/۹	پاکستان	۹۳/۷	۵۴/۴
برو	(۰۰)	۹۸/۵		(۰۰)	۹۳/۶	فیلیپین	(۰۰)	۹۸/۵
باراگوئه	۸۶/۳	۸۶/۲		۸۷/۵	۸۹/۷	سرلانکا	۸۷/۵	۸۶/۲

(۰۰) رقم در دست نیست.

۳- آمار سالنامه بین المللی مالیات متحد در سالهای ۸۴-۱۹۸۳

جدول شماره (۵) سهم مالیاتهای مستقیم در درآمدهای مالیاتی کشورهای

در حال توسعه در سال ۱۹۷۹

کشورهای در حال توسعه آسیایی	سهم مالیاتهای مستقیم در درآمدهای مالیاتی به درصد	کشورهای در حال توسعه آفریقایی	سهم مالیاتهای مستقیم در درآمدهای مالیاتی در صد	کشورهای در حال توسعه آسیایی	سهم مالیاتهای مستقیم در درآمدهای مالیاتی به درصد
برمه	۵/۲	کامرون	۴۶/۸	آرژانتین	۱۳
هندوستان	۲۳/۳	مصر	۳۱/۹	برزیل	۲۸/۵
اندونزی	۸۲/۵	کنیا	۲۹/۷	شیلی	۲۶/۲
ایران	۳۱/۵	توگو	۴۰/۱	کلمبیا	۳۱/۵
اردن	۱۷	تونس	۲۲/۱	اکوادور	۵۸/۷
کره جنوبی	۲۹	تانزانیا	۳۳/۵	السالوادور	۲۶/۹
کویت	۴۲/۵	زئیر	۳۷/۶	گواتمالا	۱۶/۱
سوریه	۳۱/۸	زیمبابوه	۳۵/۳	ازوگوئه	۱۵/۴
تایلند	۲۳/۹	زامبیا	۵۱/۹	ونزوئلا	۸۱/۷
ترکیه	۶۲	مراکش	۲۰/۶	بولیوی	۱۹/۷
یمن	۱۴/۸	سنگال	۲۶/۲	مکزیک	۳۲/۶
مالزی	۴۵	افریقای جنوبی	۶۱/۶	نیکاراگوئه	۱۳/۷
عمان	۹۲/۲	سودان	۱۹/۶	پاناما	۴۴/۴
پاکستان	۲۰/۶			پرو	۱۸/۷
فیلیپین	۲۴/۵			باراگوئه	۲۱/۷
سريلانکا	۱۸/۸			کستاریکا	(۰۰)
				هندوراس	(۰۰)

(۰۰): رقم درست در دست نیست.

توجه به این نکته لازم است که انواع مالیاتهای غیرمستقیم با توجه به گسترده بودن مقیاس واردات در این کشورها و عدم امکان دریافت مالیات بر درآمد افزایش می یابد و باز این مالیاتها با توجه به اینکه بر مصرف و فروش کالا وضع می شود، بردوش مصرف کننده نهایی است. فزونی مالیات بر مصرف مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته بدین ترتیب توجه می شود که تشکیل سرمایه در این جوامع با توجه به این نکته که کمبود سرمایه، اساسیترین مشکل است با دریافت مالیات کمتر بر درآمد ناشی از سود و وضع مالیات بیشتر بر مصرف و فروش تشویق می شود. به عبارت دیگر، با دریافت مالیات نزولی از درآمد ناشی از سرمایه نرخ بازدهی مورد انتظار را در سرمایه گذاری افزایش می دهند و به موازات آن با دریافت مالیات از مصرف میل به پس انداز افزایش می یابد. در هر حال، علت گزینش این گونه سیاست مالیاتی پایین بودن کارایی دستگاه مالیاتی برای دریافت مالیات بر درآمد است؛ زیرا که بدرستی، در کشورهایی که بخش اعظم ارزش افزوده ناشی از بخش توزیع و خدمات است، نگرانی مالیات مستقیم میل به سرمایه گذاری در این بخش را افزایش می دهد و توزیع درآمد را نابرابر می کند. با این حال اصلاح در ساختار اداری و تشکیلاتی، تشکیل بانک اطلاعاتی و کامپیوتری کردن محاسبات، گسترش سیستم دریافت مالیات در منبع و سرانجام سیستم خود اظهاری وقتی اجراء شدنی است که با ضمانت حقوقی و قانونی همراه باشد. نهایتاً باید خاطر نشان کرد که وضع مالیات بدون توجه به ساختار اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی جامعه ممکن است در کوتاه مدت درآمدهای مالیاتی سرشاری فراهم سازد، لیکن در بلند مدت به بحرانهای اجتماعی و سیاسی بینجامد. ورق بزنید

جدول شماره (۶) نسبت کل درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص ملی

کشورهای در حال توسعه در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۲

کشورهای در حال توسعه آسیایی	نسبت کل درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص ملی	کشورهای در حال توسعه آفریقایی	نسبت کل درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص ملی	کشورهای در حال توسعه آسیایی	نسبت کل درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص ملی
آرژانتین	۱۱/۸	کامرون	۱۴	آرژانتین	۱۱/۸
برزیل	۱۷/۶	مصر	(۰۰)	برزیل	۱۷/۶
شیلی	۲۱/۳	کنیا	۱۸	شیلی	۲۱/۳
کلمبیا	۱۰/۷	توگو	(۰۰)	کلمبیا	۱۰/۷
اکوادور	(۰۰)	تونس	۲۳/۵	اکوادور	(۰۰)
السالوادور	۱۳/۳	تانزانیا	۱۷/۳	السالوادور	۱۳/۳
گواتمالا	(۰۰)	زئیر	۱۹/۱	گواتمالا	(۰۰)
ازوگوئه	(۰۰)	زیمبابوه	۲۷/۲	ازوگوئه	(۰۰)
ونزوئلا	۲۳/۱	زامبیا	۱۳/۷	ونزوئلا	۲۳/۱
بولیوی	۹/۳	مراکش	۱۹/۸	بولیوی	۹/۳
مکزیک	۱۲	سنگال	۱۷	مکزیک	۱۲
نیکاراگوئه	۱۲/۲	افریقای جنوبی	۱۸/۵	نیکاراگوئه	۱۲/۲
پاناما	۲۰/۲	سودان	۱۳/۱	پاناما	۲۰/۲
پرو	۱۴/۵			پرو	۱۴/۵
باراگوئه	۱۰/۵			باراگوئه	۱۰/۵

(۰۰): رقم درست در دست نیست.

جدول شماره (۷) سهم واردات و صادرات در تولید ناخالص داخلی
کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۸۲

کشورهای در حال توسعه امریکای لاتین	واردات درصد	صادرات درصد	کشورهای در حال توسعه افریقای	واردات درصد	صادرات درصد	کشورهای در حال توسعه آسیایی	واردات درصد	صادرات درصد
آرژانتین	۱۰	۱۳	کامرون	۲۱	۱۹	برمه	۱۴	۶
برزیل	۸	۸	کنیا	۳۰	۲۵	هندوستان	۱۰	۷
شیلی	۲۱	۱۹	تونس	۴۷	۳۷	اندونزی	۲۶	۲۲
کلمبیا	۱۶	۱۲	تانزانیا	۱۸	۹	ایران	۱۲	۱۷
اگوادور	۲۰	۲۱	زامبیا	۳۶	۲۸	اردن	(۰۰)	۵۰
السالوادور	۲۸	۲۳	مراکش	۵۰	۴۷	کره جنوبی	۳۸	۳۵
گواتمالا	۱۹	۱۵	سنگال	۴۳	۳۰	کویت	۵۷	۵۹
اروگوئه	۱۷	۱۴	افریقای جنوبی	۲۸	۲۸	سوریه	۲۴	۱۳
ونزوئلا	۲۹	۲۶				نابلند	۲۵	۲۵
بولیوی	۲۲	۲۵				ترکیه	(۰۰)	(۰۰)
مکزیک	۱۱	۱۷				یمن	۹۷	۱۲
نیکاراگوئه	(۰۰)	(۰۰)				مالزی	۶۰	۵۲
پاناما	۴۴	۳۹				عمان	۴۶	۵۹
پرو	۲۱	۱۸				پاکستان	۲۴	۱۲
پاراگوئه	۲۰	۱۱				فیلیپین	۲۳	۱۶
						سریلانکا	۴۷	۲۸

(۰۰): رقم درست در دست نیست.

همان طور که از این جدول پیداست، رقم وصولی مالیاتها در سال ۱۳۶۷ مبلغ ۹۸۶ میلیارد ریال بوده که براساس پیش بینی های انجام شده، این مبلغ در سال ۱۳۷۲ به ۳۱۸۰ میلیارد ریال و نسبت مالیاتهای مستقیم به تولید ناخالص ملی که در سال ۱۳۶۷ در حدود ۲/۸۳ درصد بوده، در سال ۱۳۷۲ به حدود ۴/۳۶ درصد خواهد رسید و با توجه به پیش بینی رشد ۳۳ درصدی جمعیت، تولید ناخالص ملی در حدود ۸ درصد برآورد شده است، که در این صورت وضع مردم به طور سرانه ۵ درصد بهبود خواهد یافت. البته موفقیت این برنامه در بخش مالیاتها، بدون تجدیدنظر در سازمان تشخیص مالیاتها و رفع کاستهای آن، امری غیرممکن است. بنابراین با توجه به مطالب فوق، نتیجه می گیریم که اولاً، نظام مالیاتی ما در برداشت از تولید ناخالص ملی حتی در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه در حداقل ممکن بوده است و ثانیاً، در تجزیه و تحلیل توزیع این مالیاتها در بخشهای مختلف اقتصادی، درصد ناچیزی به گروه خدمات که بیشترین سهم را در تشکیل تولید ناخالص ملی داراست، تعلق می گیرد. که در این صورت وجود ظرفیتهای بلااستفاده مالیاتی در این بخش نه تنها تأمین کننده عدالت مالیاتی در سطح جامعه نبوده است، بلکه در بلند مدت، موجبات توزیع نابرابر درآمدها و افزایش فشار طبقات محروم جامعه را نیز فراهم خواهد کرد. ■

براساس واحد پولی ملی آمده است، با توجه به دسترسی نداشتن به نرخ ارز برای کلیه کشورها در سال مورد نظر، بویژه کشورهای در حال توسعه، از ارقام نسبی استفاده شده است. ■

توضیح اینکه اطلاعات خام اولیه از آخرین سالنامه آماری موجود سازمان ملل متحد، مربوط به سالهای ۸۴-۱۹۸۳ استخراج شده است. ضمناً از آنجا که ارقام مطلق ارائه شده در سالنامه مذکور

واحد میلیارد ریال

شرح	سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲
تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری	۲۲۷۹۰	۲۷۲۷۹	۳۱۶۶۵	۳۵۹۳۴	۳۹۸۷۶	۴۳۷۱۳	
مالیاتهای مستقیم	۶۴۶	۸۱۹	۱۰۱۳	۱۲۵۸	۱۵۵۵	۱۹۰۸	
مالیاتهای غیرمستقیم	۳۴۰	۵۴۶	۶۷۵	۸۳۹	۱۰۳۷	۱۲۷۲	
جمع مالیاتها	۹۸۶	۱۳۶۵	۱۶۸۸	۲۰۹۷	۲۵۹۲	۳۱۸۰	
نسبت مالیاتهای مستقیم به تولید ناخالص به درصد	۲/۸۳	۳	۳/۲	۳/۵	۳/۹	۴/۳۶	
نسبت کل مالیاتها به تولید ناخالص به درصد	۴/۳۳	۵	۵/۳۳	۵/۸۳	۶/۵	۷/۲۷	

پیش بینی تولید ناخالص ملی و نسبتهای مربوط طی سنوات (۱۳۶۷-۱۳۷۲) ماخذ: برنامه اول توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

دنباله
نسبت مالیاتها به تولید ناخالص ...

جدول شماره ۲ پیش بینی تولید ناخالص داخلی و مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم و نسبت مالیاتها به تولید ناخالص هر سال در سالهای اجرای برنامه اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲) را نشان می دهد:

۱- تولید ناخالص داخلی: عبارت است از مجموع کالاها و خدماتی که طی دوره حسابداری توسط عوامل تولید مقیم کشور تولید می گردد. (نشریه درآمد ملی-بانک مرکزی ایران شهریورماه ۱۳۴۸ GNP)
۲- نشریه شماره ۲۷ معاونت امور اقتصادی و بین المللی وزارت دارایی
۳- جزوه خلاصه فعالیتهای سه ساله وزارت امور اقتصادی و دارایی

۳. تضمین عدالت مالیاتی با توجه به تفاوت میزان درآمد و ثروت افراد

جامعه

طبیعی است چنانچه تدوین کنندگان قانون مالیاتها آسانترین راه را برای وصول برگزینند، بعید است که عدالت مالیاتی اعم از عدالت عمودی یا افقی* در آن مد نظر قرار گیرد. با ذکر نمونه‌های زیر که با عدالت مالیاتی مبنایت دارد، به روشنگری این امر می‌پردازیم.

— همگن دانستن کل دریافتی — حقوق‌بگیران با درآمد سایر اشخاص حقیقی از قبیل صاحبان مشاغل، در حالی که از دریافتی هر حقوق‌بگیر متوسط مشمول قانون تأمین اجتماعی، علاوه بر ۲۰ درصد مالیات، ۳۰ درصد نیز به عنوان حق بیمه تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود، و در عین حال درآمد این حقوق‌بگیر متناسب با افزایش قیمت‌ها افزایش نیافته است، در حالی که درآمد صاحبان مشاغل به هر حال متناسب با افزایش قیمت‌ها بالا رفته است.

— قلمداد کردن کل سود شخصی که در اجرای قانون ملزم به نگاهداری دفتر است (بازرگان یا صنعتگر) به عنوان درآمد مشمول مالیات، در مقابل تعیین درآمد مشمول مالیات شخصی که به امر ساختمان‌سازی برای فروش اشتغال دارد، براساس ارزش منطقه‌ای ملک؛ در حالی که ارزش منطقه‌ای املاک در بیشتر موارد کمتر از یک دهم ارزش روز آن است.

— اخذ ده درصد مالیات علی الحساب نقل و انتقال سهام یا سهم الشرکه برای مؤسسه‌ای که در شرف ورشکستگی است و پیش‌بینی همان میزان برای مؤسسه‌ای که ارزش واقعی سهام یا سهم الشرکه آن دهها برابر ارزش اسمی آن است. گذشته از این، گرفتن علی الحساب مالیات از درآمد غیرمستمر محمل قانونی ندارد.

* عدالت عمودی به توزیع بار مالیاتی بین افرادی که دارای توانایی و پرداخت متفاوتی هستند توجه می‌شود. در حالیکه در عدالت افقی با کسانی که از یک سطح قرار دارند به طور یکسان رفتار می‌شود. (نقل از: «مالیه عمومی»: نوشته ابوطالب مهندس و مهدی تقوی).

— اخذ ۷۰ درصد مالیات از درآمد فروش سرفقلی یا ۶۰ درصد از درآمد اجاره در مقابل حداکثر ۸ درصد فروش توام ملک و سرفقلی.

— عدم امکان وصول مالیات از صد درصد درآمد معاملات که هیچ اثری از انجام آن برجای نمی‌ماند.

— پایین بودن نرخ مالیات بر درآمد اتفاقی وارث در مقابل درآمد ناشی از کار و تلاش.

— معاف بودن درآمدهای هنگفت ناشی از تولید میوه و محصولات دامی با عنوان حمایت از کشاورزی.

۴. قانونی بودن هر وجهی که از مردم دریافت می‌شود

پیش از ورود به بحث، این پرسش مطرح می‌شود که اگر دولت مبالغی را با تجویز قانون اما با عنوان دیگری جز مالیات دریافت کند، آیا عملاً جزئی از اهداف قانونگذار را در اجرای سیاستهای مالیاتی تأمین کرده است؟ البته مراد از این مبالغ وجوهی نیست که دولت در مقابل فروش کالا یا ارائه خدمات یا اخذ جریمه دریافت می‌کند، بلکه منظور وجوهی است که عملاً نام دیگری جز مالیات بر آن نمی‌توان نهاد. اگر دولت طرحی را مبنی بر اخذ مالیاتی معادل ۲۰ ریال از هر بطری نوشابه به مجلس پیشنهاد می‌کند و مجلس نیز آن را تصویب می‌کند، این عمل دولت صد درصد قانونی و منطبق بر قانون اساسی است. حال آنکه چنانچه دولت به علت در اختیار داشتن انحصار تولید نوشابه، بدون موافقت مجلس ۲۰ ریال بر قیمت نوشابه بیفزاید؛ ممکن است بتوان گفت که در این حالت، دولت عملی غیرقانونی انجام نداده است، زیرا سود ناشی از این افزایش درآمد به هر صورت عاید دولت می‌شود و عمل خلافی اتفاق نیفتاده است. در حالی که به نظر می‌رسد هر افزایش قیمتی در تولیدات یا خدمات مؤسسات اقتصادی باید با توجیه اقتصادی برای آن مؤسسه (و نه برای صاحبان آن) همراه باشد. در غیر این صورت این افزایش قیمت در حکم مالیات خواهد بود و وضع و وصول آن محتاج موافقت قوه مقننه است. در حالی که دولت در مورد انحصارات رسمی (مانند دخانیات، بازرگانی خارجی و...) مقررات یاد شده را رعایت می‌کند، اما در مورد انحصاراتی که نام انحصار را بر خود ندارند، این مقررات مورد توجه قرار نمی‌گیرد. به نظر نگارنده، منظور قانونگذار از اصل یاد شده در قانون اساسی،

به هیچ روی این نیست که دولت مجاز است، فقط با تغییر عنوان، بدون تصویب قوه مقننه وجهی را که از اساس از نوع مالیات است، از کسی دریافت کند. چند مثال در این مورد ارائه می‌شود:

— دولت بدون کاهش رسمی ارزش ریال در مقابل ارزهای معتبر، اقدام به فروش ارز به نرخهای بین ۹ تا ۲۰ برابر نرخ رسمی می‌کند (این درآمد در سال ۱۳۷۰ تحت سرفصل درآمد نفت منظور شده است، برخلاف سال قبل از آن که تحت سرفصل سایر درآمدها نشان داده شده بود). اما در این مورد پرسش این است که این درآمد چیست؟ به نظر می‌رسد که این درآمد به تعبیری مالیات غیرمستقیم است که از مصرف کنندگان ارزهای خارجی دریافت می‌شود و البته مانند انواع دیگر مالیات غیرمستقیم بر قیمت کالاها و خدمات اثر می‌گذارد و بنابراین به مصرف کنندگان کالا و خدمات منتقل می‌شود. اگر چه روشن است که این تصمیم به منظور تحصیل تعادل اقتصادی گرفته شده است و در بلندمدت به نفع اقتصاد کشور خواهد بود، لکن بر قانونی بودن این تصمیم و اجرای آن می‌توان انتقاد کرد.

— بانکها پس از انقلاب، بتدریج نرخ خدمات خود را افزایش دادند و در بسیاری موارد حتی بدون اینکه خدمتی را ارائه کنند، کارمزد آن را دریافت می‌کنند. به عنوان نمونه می‌توان از دریافت تفاوت نرخ خرید و فروش ارزهای خارجی به وسیله بانکها نام برد که سالهاست بدون آنکه ارزی خریداری کنند یا به فروش برسانند، هنگام نقل و انتقال بین دو نفر این تفاوت نرخ را دریافت می‌دارند و این تفاوت نرخ در مورد هر معامله‌ای از این قبیل نیز به طور جداگانه دریافت می‌شود و حتی تا این اواخر تفاوت نرخ بین خرید و فروش ارزهای غیر از دلار را از خریداری که ارز را از سیستم بانکی خریداری می‌کرد نیز دریافت می‌کردند. از طرف دیگر اخیراً نرخ سود تسهیلات اعطایی به بخش خدمات تا حدود ۲۵ درصد در سال افزایش یافته است در حالی که در مقابل، حداکثر نرخ سود سالانه برای سپرده‌های بلندمدت (۵ ساله) ۱۳ درصد اعلام شده است. این تفاوت

چیست؟ به چه مصارفی می‌رسد؟ ظاهراً این تفاوت به مصرف جبران باین بودن نرخ سود تسهیلات اعطایی دولت به کشاورزان می‌رسد و البته ایرادی نیز بر این سیاست وارد نیست. اما آیا این خود نوعی مالیات غیرمستقیم نیست که از یک عده به نفع عده دیگر دریافت می‌شود؟ آیا این تصمیم و اجرای آن محتاج تصویب قوه مقننه نیست؟ افزون بر این، مطابق ماده ۳۷ قانون محاسبات عمومی، پیش‌بینی یک درآمد در قانون بودجه، مجوز اخذ آن درآمد نیست و در هر مورد لازم است که مجوز آن از مجلس گرفته شود.

— با آنکه حدود ۲۰ سال از عمر سازمان تأمین اجتماعی می‌گذرد، تاکنون این سازمان گزارش عملکرد خود از جمله دریافت‌ها، پرداخت‌ها، ذخایر و نحوه سرمایه‌گذاری آن برای بیمه شدگان، یعنی مشمولان قانون تأمین اجتماعی را منتشر نکرده است و مشخص نیست چرا به‌رغم باین بودن سطح خدمات این سازمان به بیمه شدگان، معادل ۳۰ درصد به‌ازاء درآمد هر بیمه شده، به نفع سازمان تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود. به علاوه جای تعجب است که وقتی به سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت نزد بانکها سالانه ۱۳ درصد سود تعلق می‌گیرد، چرا سازمان یاد شده قسمتی از ذخائر خود را با نرخ کمی‌تر و گاه تا حد ۴ درصد نزد بانکها سپرده می‌کند. این تفاوت چگونه توجیه می‌شود و اگر این تفاوت چنانکه به نظر می‌رسد در راه تأمین رفاه قشرهای کم‌درآمد جامعه، که الزاماً ممکن است بیمه‌گزار نباشند، صرف می‌شود، در این صورت چه نامی جز مالیات بر این قسمت از دریافت‌های سازمان تأمین اجتماعی می‌توان نهاد؟

— طبق مقررات مربوط، استفاده از دستگاه فاکسی مایل با مجوز وزارت پست و تلگراف و تلفن امکان‌پذیر است. وزارتخانه مذکور برای صدور این مجوز، مبلغ ۲ میلیون ریال به‌عنوان حق انشعاب دریافت می‌کند، بدون آنکه در واقع انشعابی درکار باشد، زیرا استفاده‌کننده قبلاً وجوه لازم را برای دریافت حق انشعاب تلفن خود پرداخت کرده است و همین خط تلفن است که به‌جای صوت در این شیوه تصویر منتقل می‌سازد.

و گذشته از این، شرکت مخابرات برای هر بار استفاده از این دستگاه، به دلیل اینکه در عین حال یک خط تلفن است، آبونمان خود را دریافت می‌کند و هزینه مکالمه با خارج را نیز به اضافه مالیات مربوط مطالبه و وصول می‌نماید. با همه اینها، اداره پست تصویری در هر ماه مبلغ ۴۰/۰۰۰ ریال نیز به‌عنوان آبونمان حق استفاده از خدمات پستی از استفاده‌کننده، دریافت می‌کند. پرسش در این باره نیز این است که آیا یک مؤسسه دولتی که کالا و خدمات آن جنبه انحصاری دارد، می‌تواند قیمت کالا یا خدمات خود را چنان بالا ببرد که از محل درآمد یک سال آن هزینه سرمایه‌گذاری چند سال خود را بازبافت کند به نظر می‌رسد این همان کاری است که برخی مؤسسات انحصاری دولتی مانند شرکت مخابرات با پست انجام می‌دهند.

— چندی است شهرداریها و بخصوص شهرداری تهران اقدام به وضع عوارض هنگفتی با نام همیاری کرده است. و به طوری که شنیده می‌شود برای ایجاد یک واحد تجاری گاه تا مبلغ چند میلیون ریال برای هر متر مربع از متقاضیان مطالبه می‌شود. و حتی با آنکه مقامات مسئول مملکت نیز وضع و وصول این نوع عوارض را غیرقانونی خوانده‌اند و دریافت و پرداخت آن را اکیداً منع می‌کنند، همچنان وصول آن ادامه دارد. البته بدیهی است که پرداخت این نوع عوارض برای مالکین اهمیت چندانی ندارد. زیرا طی همین مدت کوتاهی که از برقراری عوارض همیاری می‌گذارد، قیمت املاک تجاری در بعضی مناطق حتی به مترمربعی ده میلیون ریال رسیده است. ولی مشکل همین جا پایان نمی‌گیرد. بنا به قول قدما، نالی فاسد قضیه مهمتر از خود قضیه است. از این نظر چنانچه وصول عوارض متعدد غیرقانونی رایج شود حتی اگر پرداخت‌کنندگان آن نیز بنا به استیصال آماده پرداخت آن باشند، در این صورت هیچ تضمینی نیست که این روش به سطوح پایین‌تر تسری پیدا نکند و حتی برای حل مشکلات ارباب رجوع، عوارض دیگری وضع نشود. البته تردیدی نیست که عمران و آبادی شهرها و روستاها نیازمند تأمین منابع مالی کافی است و

دولت یا شهرداریها نیز باید از محل درآمدهای خود دست به این کار بزنند. در حالی که در زمان حاضر درآمد شهرداریها متأسفانه براساس ممیزی ۲۰ سال پیش و برنرخهای بسیار پایین منگی است و به همین جهت لزوم تجدید ممیزی و افزایش نرخ خدمات شهرداریها با توجه به چندین برابر شدن ارزش املاک طی چند سال اخیر اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. با این حال آنچه در این بحث مورد توجه جدی است، رعایت مقررات و ملاحظات قانونی در این قبیل موارد است.

سبب‌شناسی مشکلات فوق‌العاده گران‌فروشی در بازار

سبب‌شناسی مشکلات فوق‌العاده گران‌فروشی و ممتنع است جای تردید نیست که ناهنجاریها یا حتی دشواریهای اقتصادی پس از جنگ و رشد بی‌رویه بخش خدمات در مقابل بخش تولید صنعتی و کشاورزی و چند نرخی بودن کالاها و خدمات به‌عنوان عوامل اصلی یا نمودهای به‌هم خوردن تعادل اقتصادی جامعه وضعی ناسامان را در عرصه اقتصادی جامعه پدید آورده است. و این وضع به‌ناگزیر دولت را در جهت جبران کسر بودجه هنگفت خود وادار به تغییر جدول ماده ۱۳۴ قانون مالیاتهای مستقیم سابق، به‌ماده ۱۳۱ قانون جدید کرد و همچنین به وضع انواع شبه مالیات واداشت، در حالی که امید می‌رفت با تدوین قانون مالیاتهای جدید زمینه‌های برقراری تعادل اقتصادی فراهم شود. حال آنکه به نظر می‌رسد دیدگاههای تدوین‌کنندگان این قانون با دیدگاههای سیاستگذاران اقتصادی بسیار متفاوت و بعضاً در تضاد بوده است. چنانکه قانون جدید نه تنها مشوق سرمایه‌گذاران در فعالیتهای تولیدی اقتصادی نیست، بلکه سرمایه‌گذاران و متخصصان را در رویکرد به فعالیتهای پنهان اقتصادی به‌طور جدی تشویق می‌کند و سیاستهای دولت در زمینه گسترش فعالیتهای صنعتی، مسکن (برای اجاره) و نظایر آن را با شکست مواجه می‌سازد. لذا جا دارد اکنون که قانون مالیاتهای مستقیم در دست بررسی مجدد قرار گرفته است، نه به صورت موردی بلکه به‌طور اساسی مطالعه و موشکافی شود و به‌طور کامل در راستای سیاستهای اقتصادی دولت اصلاح گردد.